

عربی (۲)



مرجع تخصصی کنکور هنر (حضوری / آنلاین)

با حضور اساتید مطرح و مولفان با تجربه کشور

☎ ۰ ۹ ۳ ۰ ۶ ۷ ۰ ۸ ۸ ۵ ۵

📷 [konkorkarnamehsazan](https://www.konkorkarnamehsazan.com)

🌐 [karnamehsazan.com](https://www.karnamehsazan.com)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسته کامل
کتاب های
درسی (وزارتی)
کنکور سراسری هنر



مشاوره / کلاس / آزمون
کارنامه؛ رتبه یک کنکور هنر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



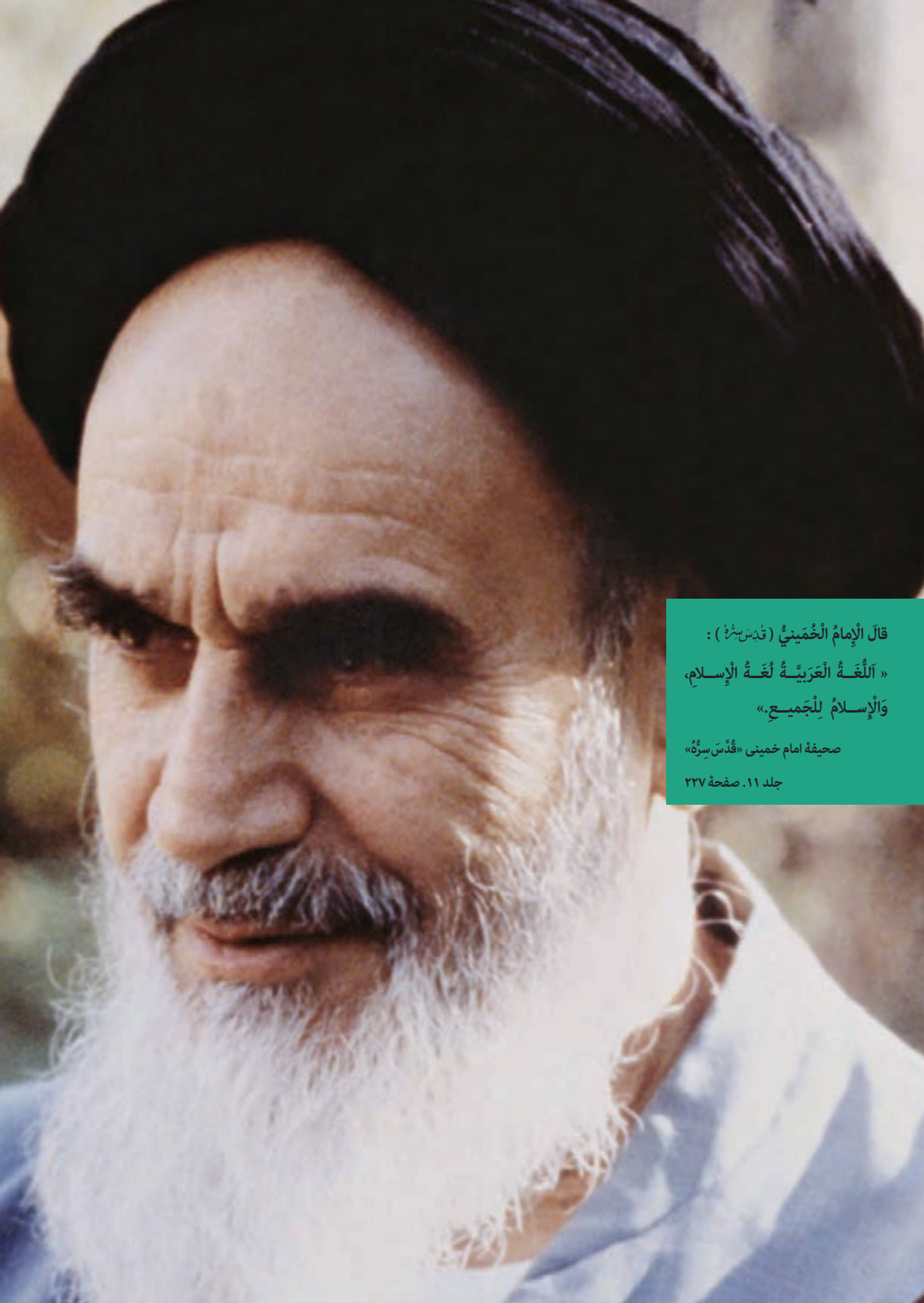


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلیری و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- عادل اشکیوس، علی چراغی، اباندر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا ملکان، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- تلفن: ۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي (قُدْسِ سِرُّهُ) :
« أَلَلُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ ،
وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ » .

صحيفة امام خميني «قُدْسِ سِرُّهُ»

جلد ۱۱ . صفحه ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکتیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۶ - ۱۴۰۵ تغییر نخواهد کرد.

أَلْفِهْرُسُ

- پیش گفتار الف |
- أَلَدْرُسُ الْأَوَّلُ ۱ |
- من آيات الأخلاق + اسمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حوارٌ في سوقِ مَشْهَدِ -----
- أَلَدْرُسُ الثَّانِي ۱۹ |
- في مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ -----
- أَلَدْرُسُ الثَّالِثُ ۳۳ |
- عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النِّكَرَةُ + حوارٌ في الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ -----
- أَلَدْرُسُ الرَّابِعُ ۴۹ |
- آدابُ الْكَلَامِ + أَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النِّكَرَةِ -----
- أَلَدْرُسُ الْخَامِسُ ۶۳ |
- أَلْكَذِبُ مِفْتَاحُ كَلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱) + حوارٌ في الصِّيدَلِيَّةِ -----
- أَلَدْرُسُ السَّادِسُ ۷۵ |
- أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲) -----
- أَلَدْرُسُ السَّابِعُ ۸۹ |
- تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاظِمَةِ + حوارٌ مَعَ الطَّبِيبِ -----

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عده‌های اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص إعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «تَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: حَرَجْتُمْ، تَحَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَحْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سورة حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پر جوش و خروش جوانی دانستی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست؛ (معرفه به ال و عَلم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. ۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. این داستان برای دانش آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «كَيْ»، «لَمْ» و «حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَبْلُغَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمیل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «لَمْ» و «لَا» است. هدف این است که دانش آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست. ۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارَسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنُجِي. مكتبة لبنان ناشرون.
ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.
واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.
الْمُهَذَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية.
قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ وَ أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دورهٔ اوّل متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هُما، هُم، هِی، هُما، هُنْ، اُنْت، اُنْتُم، اُنْتِ، اُنْتُمَا، اُنْتُنْ، اَنَا، نَحْنُ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوهٔ طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



نظر سنجی کتاب درسی

سخنی با دانش آموز

عربی را می آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته اید در متون، عبارات و تمرین های این کتاب تکرار شده است. **ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست** و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی شود. در کتاب هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می شود، موارد بسیاری می آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست. در آزمون هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبه معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش آموز در پاسخ دهی وقت کم می آورد. لذا اگر در چنین آزمون هایی شرکت می کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می شوند.

برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می خواهید در درس عربی موفق تر باشید، متون و واژگان درس ها را پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می توانید از آیات و احادیث کتاب های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی یازدهم تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسه شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت های شفاهی زبان شود.

که را ز سخنی بود سرشت
نمید ز طاووس جزای زشت

(سعدی)



الذَّرسُ الْأَوَّلُ



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢ و ١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

کرمانشاهی بود مرشد نینز زانوس چلهای زشت



تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ الْأَسْمَاءُ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ

النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا

وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ وَ الْغَيْبَةِ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



إِنْقَى : پروا کرد (مضارع: يَنْقِي)

إِتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِثْم : گناه = ذَنْب

إِسْتِهْزَأَ بِ : ریشخند کردن

(اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لَا يَغْتَابُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةً : نام دادن، نامیدن

(سَمَّى/ يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَّابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَمَ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسْخَرُ/ مصدر: سُخْرِيَّة)

لَا يَسْخَرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعِيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَمَا

فُسِّقَ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ : گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَّائِرَ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كَرِهَ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرده = مَيِّتٌ

«جمع: أَمْوات، مَوْتى» ≠ حَيٍّ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغِيْبَةَ فَقَطْ.

۳- الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

اعْلَمُوا

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. أَلِإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛
مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زینب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِل جمع أَرْدَل و أَفَاضِل جمع أَفْضَل است).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر» دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ^۳ مَعَ إِيْمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیانند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورتِ «مُضَاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- سُئِلَ: از ... پرسیده شد ۲- الرَّجُلُ: انسان، مرد ۳- السَّكِينَةُ: آرامش ۴- حَيٌّ: بشتاب

١ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى^١ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَر: ٣



٤ مَنْ غَلَبَتْ^٢ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه
مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ^۱ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ^۲ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

النَّحْل: ۱۲۵

۲ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ الْأَعْلَى: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةً «جُنْدِي سابور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۱- جَادِلْ: بحث کن

۲- ضَلَّ: گمراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في سوقٍ مَشْهَد)

بائعُ المَلابسِ

الزَّائِرَةُ العَرَبِيَّةُ

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحَباً بِكَ.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.

سَتُونَ أَلْفَ تومَان.

كَمْ سِعْرُ^١ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟

عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومَان. تَفْضَّلِي أَنْظُرِي.

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ
بَنَفْسَجِيّ.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إِلَى
خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومَان.

بِكَمْ تومَان هَذِهِ الْقَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ^٢.

الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومَان، وَ السَّرَوَالُ
النِّسَاءِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَان.

بِكَمْ تومَان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟

ذَلِكَ مَتَجَرٌّ^٣ زَمِيلِي^٤، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.

١- سِعْر: قیمت «جمع: أَسْعَار» ٢- نَوْعِيَّة: جنس ٣- مَتَجَر: مغازه ٤- زَمِيل: همکار

فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ...

صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ.
أَعْطَيْنِي بَعْدَ التَّخْفِيزِ^١ مِئَتَيْنِ وَعِشْرِينَ أَلْفًا.

رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ...
كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟



التمرین الأول: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَامًا:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

.....

٣- الدُّنُوبُ الْكُبْرَى:

.....

٤- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

.....

التمرین الثاني: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

.....

٢- مَنْ سَاءَ^١ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

.....

٣- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ^٣ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَ فِعْلُ الْأَمْرِ)

.....

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ^٤ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

.....

التَّمرينُ الثَّالثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ:	لَا تَقْتَرِبُوا:	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَتَبَادَلُونَ:	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

التَّحْرِيكِ الرَّابِعُ: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَأَلْمِثَالِ:

١- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

٣- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

التَّحْرِيكِ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾: الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: يَس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:

التمرين السابع: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صَبَاح ☐ مَسَاء ☐ لَيْل ☐ مَيّت ☐
- ٢- عُجْب ☐ لَحْم ☐ فُسُوق ☐ إِثْم ☐
- ٣- كَبَائِر ☐ نِسَاء ☐ رِجَال ☐ أَوْلَاد ☐
- ٤- سَخِرَ ☐ عَابَ ☐ سَاعَدَ ☐ لَمَزَ ☐
- ٥- أَحْمَرَ ☐ أَحْسَنَ ☐ أَجْمَلَ ☐ أَصْلَحَ ☐
- ٦- أَصْفَرَ ☐ أَزْرَقَ ☐ أَيْبَضَ ☐ أَكْثَرَ ☐

التمرين الثامن: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- إِشْتَرَيْنَا وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.
- سَراويل ☐ أَشْهُرًا ☐ مَوَاقِفَ ☐
- ٢- مَن الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.
- إِغْتَابَ ☐ إِتَّقَى ☐ مَدَحَ ☐
- ٣- خَمْسَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي
- إِثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ ☐ إِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ ☐ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ ☐
- ٤- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ.
- نَوْعِيَّةَ ☐ مَتَجَرَّ ☐ تَخْفِيزَ ☐

■ اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتِیْحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَ اَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعَاقِبِیْنَ فِی مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ، وَ اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْكِبْرِیَاءِ وَ الْعِظَمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندان.

اَللّٰهُمَّ اِذْنَتْ لِيْ فِی دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِیْعُ مِدْحَتِیْ، وَ اَجِبْ يَا رَحِیْمُ دَعْوَتِیْ، وَ اَقِلْ يَا غَفُوْرُ عَثْرَتِیْ، فَكَمْ يَا اِلٰهِيْ مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَ هُمُوْمٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اَمِيْنِكَ وَ صَفِيْكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ وَ اَزْكٰی وَ اَنْمٰی وَ اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنٰی وَ اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بنده‌ات، فرستاده‌ات، امانتدارت، برگزیده‌ات، یارت، بهترین آفریده‌ات، نگاهدارِ رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.





الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

الْعَلَقِ: ۳ و ۴

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبُورَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرُسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ.



فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنَّ تَطَالُعَ كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لَزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنشَائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ:

إِنْ تَقْرَأْ إِنشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنشَائِهِ:

... أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْآخَرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا:

١ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ.

٢ الِاجْتِنَابُ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ.

٣ أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

٤ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

٥ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقْهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ.

٧ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاقِبُ إِنْشَاءَ مَهْرَانٍ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفَّهِ التَّبْجِيلَا

يَبْنِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَ عَلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي

عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست شناسی

فَكَرَّ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)

قُمْ : برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ)

كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)

مَجَالُ : زمینه

مُشَاقِبُ : شلوغ کننده و اخلا لگر

وَافَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَافِقُ)

وَفَّى : کامل کرد (مضارع: يُوفِّي)

«وَفَّهِ التَّبْجِيلُ»: احترامش را کامل به جا

بیاور.

هَمَسَ : آهسته سخن گفت

(مضارع: يَهْمِسُ)

تَعَنَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به

منظور به سختی و لغزش انداختن

تَنَبَّهَ : آگاه شد

(مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ

حِصَّةُ : زنگ درسی، قسمت

حَجَلَ : شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ)

سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)

سَبَّوْرَةٌ : تخته سیاه

سُلُوكُ : رفتار

ضَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَضُرُّ)

عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)

أَجَلَ : گران قدرتر

ارْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)

اسْتَمَعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)

الْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)

الْتِفَاتُ : روی برگرداندن

الْتَفَتَ : روی برگرداند

(مضارع: يَلْتَفِتُ)

أَلْفَ : نگاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)

أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)

تَارَةً : یک بار = مَرَّةً

تَبْجِيلُ : بزرگداشت

اُكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟





أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

- مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و إِنَّ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً.^۱

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

إِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخَرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

- گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ اَلطَّلَاق: ۳

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

- وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.
مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.



هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «إِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلْ، تَفْعَلْ، أَفْعَلْ و نَفْعَلْ» را تغییر می‌دهند. <... يَفْعَلْ، ... تَفْعَلْ، ... أَفْعَلْ و ... نَفْعَلْ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، أَفْعَلُونَ و أَفْعَلْنَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- حَسْبُ: بس، کافی

۳- يَتَوَكَّلْ: توکل کند

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.



إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.

■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ.

۱ ﴿وَمَا تُقَدِّمُوا^۲ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۱۰

۲ ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^۳ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ۷

۳ ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۴﴾ الْفُرْقَان: ۶۳



۴ ﴿إِنْ تَزْرَعُوا الْعُدُونَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.

۱- ما يَلِي: آنچه می آید ۲- ما تُقَدِّمُوا: هرچه را از پیش بفرستید ۳- يُثَبِّت: استوار می سازد

۴- خَاطَبَ: خطاب کرد ۵- سَلَام: سخن آرام



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

- ١- الَّتَعَنْتُ طَرَحَ سُؤَالٍ صَعْبٍ بِهَدَفٍ إِيجَادٍ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ.
- ٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعَنَاصِرِ.
- ٣- الِالْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخَصَيْنِ.
- ٤- السَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ)
- ٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمُ الْفَاعِلِ)
- ٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا^٢. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدُهُ)
- ٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلُ)
- ٥- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا^٣. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)
- ٦- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا^٤. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ الْفَاعِلِ)

١- الْأَجْرُ: بِأَدَاشٍ، مَزْد ٢- جَهْلٌ: دَانَسْتُ ٣- أَلْمِيَّتُ: مُرْدَةٌ ٤- وَ إِنْ كُنْتُ أَمِيرًا: إِنْ جَرَّهَ فَرْمَانْدَه بَاشِي

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ الثَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاذ: نجات دادن
إِنْتَعَدَ:	لَا يَنْتَعِدُ: دور نمی شود	لَا تَنْتَعِدْ:	إِنْتِعَاد: دور شدن
انْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	انْسِحَاب: عقب نشینی کردن
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَحْدِمُ:	اسْتَخْدِمْ: به کار بگیر	اسْتِخْدَام:
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَذَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ:	لَا تَذَكَّرْ:	تَذَكُّر: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايُش: همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التمرين الرابع: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هُذَانِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أُولَئِكَ مُسْتَمِعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التمرين الخامس: صَعِّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ≠)

وُدٌ / بَعْدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَايَةً / عَدَاوَةٌ / احْتِرَامٌ / أَحْيَاءٌ / مَرَّةً / نَفَعَ / ذَنْبٌ / هَرَبَ

إِثْمٌ =	تَبَجُّيلٌ =	تَارَةً =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أَمْوَاتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمْ ≠
ضَرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ: اكْمِلْ تَرْجَمَةَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الْأَنْفَالُ: ۲۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتُ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه ،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

الْتَّمَرِينَ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمُشَاغِبُ : ☐ هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

۲- الْحِصَّةُ : ☐ هُوَ الَّذِي يُسَبَّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ.

۳- الْفُسُوقُ : ☐ مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوَظَّفٍ.

۴- الْأَجْرُ : ☐ تَرَكُ أَمْرِ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي.

۵- الْأَلْتِفَاتُ : ☐ أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.

۶- السُّلُوكُ :

۱- فُرْقَان: جداکننده حق از باطل

التَّمرينُ الثَّامنُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْلَاق	أَنْفُس	أَحْيَاء	أَمْوَات
.....				
جُنُود	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَات	أَعْدَاء	طُلَّاب
.....				
خَوَاص	أَقْدَام	قَسَاتِين	أَسْعَار	ذُنُوب
.....				
غُيُوب	غُيُوب	أَسْمَاء	سَرَائِل	مَلَاعِب
.....				
إِخْوَان	عِبَاد	بِهَائِم	أَفَاضِل	كَبَائِر
.....				
تَرَائِب	جُمَل	أَعْمَال	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....				

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنِيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ
حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ.



أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. أَلْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعَنْبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ
بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ،
وَتَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُذُعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ
مُوصَافَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَارًا
طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ
الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا
أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ
أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمُرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ
خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيبًا.



الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ
الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِاتِّفَافِ
حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا، ثُمَّ تَحْنُقُهَا
تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ
الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هُرْمُزْجَانِ.



مَدِينَةُ بُرْدُخُونِ فِي مُحَافَظَةِ بوشهر.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي
جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ
مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَحْتَوِي بُذُورُهَا عَلَى
مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يُسَبِّبُ اسْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ. وَيُمْكِنُ إِنتَاجُ النَّفْطِ مِنْهَا.
وَ يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهَرِ بِمُحَافَظَةِ سِيستَان وَ بَلُوشِستَان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ
جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلَام وَ لُرِستَان. يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
تَحْتَ الثَّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسُو مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجُوزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

﴿...إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ.﴾

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر
و خوب تر از آن انجام نداده اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

إِشْتِعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(اشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ،
أَفْضَلَ

أَغْصَان، غُصُون : شاخه ها
«مفرد: غُصْن»

إِلْتِفَاف : در هم پیچیدن
(الْتَفَّ، يَلْتَفُّ)

بُدُور : دانه ها «مفرد: بَذْر»

جَذَع : تنه «جمع: جُذوع»

جُزُر : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَة»

جَوَزة : دانه گردو، بلوط و مانند آن
خَنَقَ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)

خَانِق : خفه کننده

سَبَبَ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)

سِيَاج : پرچین

غاز : گاز

فَالِق : شکافنده

لُبَ : مغز میوه

مَحَاصِيل : محصولات

الْمُحِيطُ الْهَادِي : اقیانوس آرام

مُزَارِع : کشاورز = زَارِع، فَلَاح

مُعَمَّر : کهن سال

مُلَوَّث : آلوده کننده

مُواصَافَات : ویژگی ها

تَبَّتَ : روید (مضارع: يَتَبَّتُ)

نَصِيفَ : توصیف می کنیم

نَوَى : هسته

صَغَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- تَبَدَّ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.

۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ آيٍ مَلَوَّثَةٍ.

۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامَ وَ لُرِسْتَانِ.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ مِنْرٍ.

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ كَالْخُبْزِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.



الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ

■ اسم **معرفه** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتنِ «ال» است؛ مثال:

جاءَ مُدَرِّسٌ: معلّمی آمد.	جاءَ المُدَرِّسُ: معلّم آمد.
وَجَدْتُ قَلَمًا. قلمی را یافتم.	وَجَدْتُ القَلَمَ. قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.

اسب‌هایی را دیدم. **آن اسب‌ها** کنار صاحبشان بودند.



کلمهٔ **أفراساً «نَکِرَه»** است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده ناشناخته است؛ اسم

نکره معمولاً تنوین (ـٍ، ـَ، ـُ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلٍ و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاءَ رَجُلٌ.

■ اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده

می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...

اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، كَاطِمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است.

■ سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:

الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. فَرِيقُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ مَا يَلِي^۱ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

۱ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ^۲ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي

زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ^۳﴾ النُّور: ۳۵



۲ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾ الْمُرْجَل: ۱۵ و ۱۶

۳ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- الدُّرِّيُّ: درخشان

۲- الْمِشْكَاةُ: چراغدان

۱- ما يلي: آنچه می‌آید

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جوار

(فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِي)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟	لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	أَتَذَكَّرُ ذَٰلِكَ.
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ.	كَلَّا هُمَا قَوِيَّانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ. ^١
فِي الْمَلْعَبِ	
هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى ^٢ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	أُنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيُسَجِّلُ ^٣ هَدَفًا ^٤ .
رُبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^٥ .	لَكِنَّ الْحَكَمَ ^٦ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟!
يُعْجِبُنِي ^٧ جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى ^٨ فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	أُنْظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.
مَنْ يُسَجِّلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ.	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ؟
لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ.	الْحَكَمُ يَصْفِرُ.



- ١- الْمُبَارَاةُ: مسابقه ٢- تَعَادَلْ: برابر شد ٣- أَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم ٤- كَلَّا: هر دو ٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: که پر شود
٦- الْمُتَفَرِّجُ: تماشاچی ٧- سَيُسَجِّلُ: ثبت خواهد کرد ٨- الْهَدَفُ: گُل ٩- الْمَرْمَى: دروازه ١٠- الْحَكَمُ: داور
١١- التَّسَلُّلُ: آفساید ١٢- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ) ١٣- حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان

التمرين الأول: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٢- اَلتَّجْمُعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللّٰهُ عُمْرًا طَوِيلًا.
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ.
- ٥- صِفَاتٌ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- مَا مِنْ^١ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^٢ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

(الْجَارُ وَالْمَجْرُورَ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

(الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

١- مَا مِنْ: هِيَجَ ... نِيَسْت ٢- غَرْسَ: نِهَال

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّالِيَةِ حَسَبَ الصُّورِ.



فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟



بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟



لِمَنْ هَذَا التَّمِثَالُ؟



كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ فِي الشِّتَاءِ؟



مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

ألف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

☐ صدای عجیب را شنیدم.

☐ صدای عجیبی را شنیدم.

٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

☐ به روستا رسیدم.

☐ به روستایی رسیدم.

٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

☐ نگاه به گذشته

☐ نگاهی به گذشته

٤- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

☐ بندگانِ درستکار

☐ بنگانی درستکار

٥- السَّوَارُ الْعَتِيقُ

☐ دستبندی کهنه

☐ دستبندِ کهنه

٦- التَّارِيخُ الدَّهْبِيُّ

☐ تاریخ زرین

☐ تاریخی زرین



ب: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ^١ إِلَيْهِ بِخَطٍّ.



سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكُو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ^٢.



عِمَارَةُ خُسْرُو آبَاد فِي سَنَدَجِ تَجَذَّبُ سَيَّاحًا^٣ مِنْ مُدُنِ إِيْرَان. حَدِيْقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانِ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كُرْدْگِلَا^٤ فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيْمَةِ.

١- أُشِيرَ: اشاره شد

٢- قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لیست میراث جهانی

٣- سَيَّاح: گردشگران، مفرد آن: سائح

٤- تَكِيَّة كُرْدْ گِلَا از آثار ملی ایران در شمال شهرستان جویبار

التَّمرينُ الخامسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	اسْمُ الْفَاعِلِ
وَافَقَ	يُوافِقُ ☐	وَافِقُ ☐	تَوَفِيقُ ☐	مُوافِقُ ☐
	يُوفِّقُ ☐	وَفِّقُ ☐	مُوافِقَةٌ ☐	مُوفِّقُ ☐
تَقَرَّبَ	يُقَرِّبُ ☐	قَرَّبُ ☐	تَقَرُّبُ ☐	مُقَرِّبُ ☐
	يَتَقَرَّبُ ☐	تَقَرَّبُ ☐	تَقَرُّبُ ☐	مُتَقَرِّبُ ☐
تَعَارَفَ	يَتَعَرَّفُ ☐	تَعَارَفَ ☐	مُعَارَفَةٌ ☐	مُتَعَارِفُ ☐
	يَتَعَارَفُ ☐	اعْرِفُ ☐	تَعَارُفُ ☐	مُعَرِّفُ ☐
اشْتَغَلَ	يَشْتَغِلُ ☐	اشْتَغِلَ ☐	اِشْغَالُ ☐	مُشْتَغِلُ ☐
	يَشْتَغِلُ ☐	اِشْتَغَلَ ☐	اِشْغَالُ ☐	مُنْشَغِلُ ☐
انْفَتَحَ	يَفْتَحُ ☐	انْفَتَحَ ☐	اِسْتِفْتاحُ ☐	مُتَفَتِّحُ ☐
	يَنْفَتِحُ ☐	تَفَتَّحَ ☐	انْفِتاحُ ☐	مُنْفَتِّحُ ☐
اسْتَرْجَعَ	يَسْتَرْجِعُ ☐	اسْتَرْجِعْ ☐	اِزْتِجَاعُ ☐	مُسْتَرْجِعُ ☐
	يَرْجِعُ ☐	راجِعُ ☐	اِسْتِرْجَاعُ ☐	مُرْجِعُ ☐
نَزَلَ	يُنْزِلُ ☐	انْزِلْ ☐	نُزُولُ ☐	مُنْزِلُ ☐
	يُنْزِلُ ☐	نَزَلَ ☐	تَنْزِيلُ ☐	نازِلُ ☐
أَكْرَمَ	يُكْرِمُ ☐	أَكْرِمْ ☐	إِكْرَامُ ☐	أَكْرَمُ ☐
	يُكْرِمُ ☐	كَرِّمَ ☐	تَكْرِيمُ ☐	مُكْرِمُ ☐

التَّمرِينُ السَّادِسُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١- يُشَجِّعُ الـ فَرِيقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. ☐ مُوَاصَفَاتُ ☐ مَتَاجِرُ ☐ مُتَفَرِّجُونَ ☐

٢- شَرْطِيُّ الْمُرُورِ حَتَّى تَتَوَقَّفَ السَّيَّارَاتُ. ☐ يَصْفِرُ ☐ يَتَعَادَلُ ☐ يَمْتَلِي ☐

٣- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. ☐ تَخْفِيزُ ☐ مِفْتَاحُ ☐ مِشْكَاةُ ☐

٤- جَدِّي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. ☐ يَغْرُسُ ☐ يَتَذَكَّرُ ☐ يَنْبُتُ ☐

٥- شَارَكَ زُمْلَاؤُنَا فِي عِلْمِيَّةٍ. ☐ مُبَارَاةُ ☐ اِلْتِفَافٍ ☐ بُذُورٍ ☐

٦- سَجَّلَ لَاعِبُنَا رَائِعًا. ☐ جِدْعًا ☐ هَدَفًا ☐ نَوْعِيَّةً ☐

التَّمرِينُ السَّابِعُ: اُكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

سَائِحٌ = أَثَرٌ = تَارِيخٌ = قَرْيَةٌ =

عَبْدٌ = دَوْلَةٌ = بَهِيمَةٌ = مَلْعَبٌ =

رَسُولٌ = سِرْزَالٌ = عُصْنٌ = شَجَرٌ =

زَيْتٌ = حَيٌّ = قَبْرٌ =

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُذُورُ النَّبَاتَاتِ ☐ جَوَازُتُ الْبَلُوطِ ☐ جِدَارُ الْعِمَارَةِ ☐ جُذُوعُ الْأَشْجَارِ ☐
- ٢- حَارِسُ الْمَرْمَى ☐ كُرَّةُ الْقَدَمِ ☐ حَكَمُ الْمُبَارَاةِ ☐ زُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ ☐
- ٣- مَدِينَةٌ ☐ بَهِيمَةٌ ☐ قَرْيَةٌ ☐ مُحَافَظَةٌ ☐
- ٤- شُرْطِيٌّ ☐ حَبَّازٌ ☐ حَدَّادٌ ☐ ذِكْرِيٌّ ☐
- ٥- سِيَاجٌ ☐ آلَافٌ ☐ مِئَاتٌ ☐ عَشْرَاتٌ ☐

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكْرَةِ)

- ٦- تِمْنَالٌ ☐ إِيلَامٌ ☐ سَنَنْدَجٌ ☐ كِرْمَانِشَاهُ ☐
- ٧- السُّيَّاحُ ☐ شَارِعٌ ☐ السَّاحَةُ ☐ الْمُنْتَظَمَةُ ☐
- ٨- الْفَرِيقُ ☐ الْهَدَفُ ☐ الْبَيْسَةُ ☐ الْمُتَفَرِّجُ ☐
- ٩- سَعِيدٌ ☐ سِنَجَابٌ ☐ مَحْمُودٌ ☐ صَادِقٌ ☐
- ١٠- فَاطِمَةُ ☐ زَهْرَاءُ ☐ مَعْصُومَةٌ ☐ إِمْرَأَةٌ ☐

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِنِحْتُ عَنْ نَصِّ حَوْلَ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.





الدرس الرابع



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ٧٠)

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿أُذِغْ﴾ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ١٢٥)

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢) وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُقْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوَّذَ لِسَانُكَ لِبِنِ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِلتَّهْمِ: «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رَبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرَبُّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسْلَمُ مِنَ الزَّلِيلِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكْذِيبَهُ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طوبى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ
يَفْتَحِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَآكَ.



أَدْعُ : فرا بخوان

(دَعَا، يَدْعُو)

أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند

(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)

تُهُم : تهمت ها «مفرد: تُّهْمَة»

زَلَّ : لغزش

سَدِيد : درست و استوار

طَوْبَى لـ : خوشا به حال

عَوَّدَ : عادت داد

(مضارع: يُعَوِّدُ)

قَلَّةَ : کمی ≠ كَثَرَة

كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ

(مضارع: يُكَلِّمُ)

لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو

(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)

لَا تُقَفِّ : پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)

لِكِي يُقْنِعَ : تا قانع کند

(أَقْنَعَ، يُقْنِعُ)

لَيْنَ : نرم ≠ حَشِن

لَيْنَ : نرمی ≠ حُشُونَة

مَخْبُوءَ : پنهان = خَفِيَ

يُعَرِّضُ : در معرض می گذارد

(ماضی: عَرَّضَ)



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَا.

۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

اعلموا

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از **اسمی نکره** فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا **سِنْجَاباً** يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم **که** از درختی به درختی می پرید.



إِرضَاءُ النَّاسِ **غَايَةً** لَا تُدْرِكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است **که** به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ **وَلَدًا** يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم **که** به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از **اسم نکره** «وَلَدًا» **فعل مضارع** آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و **فعل مضارع** نیز معمولاً **ماضی استمراری** ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ⇒ ماضی استمراری

ترجمه

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دَقَّت کنید.

أَقْتَسْتُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أُشَاهِدُ طَالِباً يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ⇐ مضارع التزامی یا مضارع اخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دَقَّت کنید.

إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ⇐ ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^۱ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^۲ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^۳ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيبَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

۳- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

۲- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند

۱- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ﴾ النَّحْلُ: ١٢٥

٢- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ﴾ الْإِسْرَاءُ: ٣٦

٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا﴾ الصَّف: ٢

٤- كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ **لِفَحْشِهِ**^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٣- أَلَعِلُّمُ نَوْراً وَ ضِياءً يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيائِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْمُبْتَدَأُ وَ الْفَاعِلُ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ **مُرّاً**^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْمَفْعُولُ)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِيُّ وَ فِعْلُ النَّهْيِ)



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثْنَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / امْرَأَةٍ / مُعَمَّرَةٍ / مُزَارِعِ / تِلْمِيزِ / رَائِحَةٍ
حَاسِبِ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِعْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / كِبَائِرِ

رمز ↓

☐	☐	☐	☐	☐	گرامی داشتن	(۱)
☐	☐	☐	☐	☐	کهنسال	(۲)
☐	☐	☐	☐	☐	ستیز می کند	(۳)
☐	☐	☐	☐	☐	یاد دادن	(۴)
☐	☐	☒	☐	☐	کشاورز	(۵)
☐	☐	☒	☐	☐	جشن ها	(۶)
☐	☐	☒	☐	☐	دانش آموز	(۷)
☐	☐	☒	☐	☐	زن	(۸)
☐	☐	☒	☐	☐	بو	(۹)
☐	☐	☐	☐	☐	دو هزار	(۱۰)
☐	☐	☐	☐	☐	گردباد	(۱۱)
☐	☐	☐	☐	☐	گناهان بزرگ	(۱۲)
☐	☐	☐	☐	☐	میدان ها	(۱۳)
☐	☐	☐	☐	☐	دویست	(۱۴)
☐	☐	☒	☐	☐	فیلم ها	(۱۵)
☐	☐	☒	☐	☐	رایانه	(۱۶)
☐	☐	☒	☐	☐	دستبندها	(۱۷)
☐	☐	☒	☐	☐	فرزندان	(۱۸)
☐	☐	☒	☐	☐	شکوفه ها	(۱۹)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

« »

التَّمرينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- أَفْقَشْر ☐ أَلَلْب ☐ أَلْوَى ☐ أَلْغَاز ☐
- ٢- أَلَيْد ☐ أَلرَّأْس ☐ أَلْقَدَم ☐ أَلْسِيَاج ☐
- ٣- أَلْإِثْم ☐ أَلذَّنْب ☐ أَلْحِصَّة ☐ أَلْخَطِيئَةُ ☐
- ٤- أَلثَّغَلْب ☐ أَلْكَلْب ☐ أَللَّيْن ☐ أَلذُّب ☐
- ٥- أَلزُّيُوت ☐ أَلْمَزَارِع ☐ أَلْعَامِل ☐ أَلْمُوظَّف ☐
- ٦- أَلسَّرُوَال ☐ أَلْقَمِيص ☐ أَلْقُسْتَان ☐ أَلسَّمَك ☐

التَّمرينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صَغَرِي. (أَلْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَأَلْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفْتُ رِيَا حَ شَدِيدَةً حَرَبْتُ بَيْتًا جَنَبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. (أَلْمَفْعُولَ وَ أَلْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (أَلْمَفْعُولَ وَ أَلْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- أَلْكِتَابُ صَدِيقٍ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (أَلْمُبْتَدَأَ وَ أَلْخَبَرَ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (أَلْجَمْعَ الْمَكْسَرِ وَ نُونَ الْوَقَايَةِ)

التَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْبَيْتَ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْآيَةِ أَوْ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ الْحُجُرَات: ۱۱

۲- عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْ تَسَلَّمْ مِنَ الزَّلَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الف) تا مرد سخن ن گفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد (مدی شیرازی)

ب) سخن کان از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (نظامی گنجوی)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به مویی کشی (مدی شیرازی)

د) خلایق را به القابی که زشت است نخواند هر که او نیکو سرشت است (مدی الهی قمی)

ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشاخته است (امثال و حکم دوجلد)

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

رياح	زيت	أساور	ساحات	أولياء	مواضع
.....					
نصوص	تهم	آداب	مخاطبين	عقول	أقوال
.....					

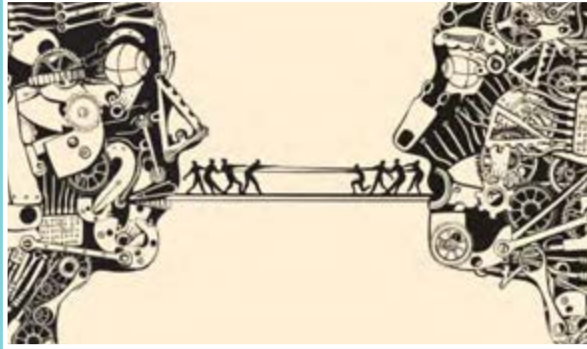
التمرين الثامن: ضع المرادفات والمضادات في الفراغ المناسب. (=) (≠)

إمتلاً / شاطئ / مزارع / إثم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كَلَمَ / تُرْفَعُ / سديد / مودة

فلاح =	فرع ≠	ذنّب =	ساحل =
تكریم =	كبر ≠	مستور =	سكت ≠
حبّ =	نور =	صحيح =	تنزل ≠

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ الْآنْعَامُ: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى ...﴾ الْأَحْقَافُ: ٣٠

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ٧٣

- ١-
- ٢-
- ٣-
- ٤-
- ٥-





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَر: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی
نمی کند.



الْكَذْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ تَدَبَّكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تَوَاجِهْ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكَذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كَذْبُكَ لِلْآخَرِينَ، فَتَفْشَلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكَذْبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ

سَيَّارَتَنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِخْتِيَاظِيٌّ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى اَلْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ
الْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ اَلْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ اَلْحُضُورَ فِي اَلْإِمْتِحَانِ فِي اَلْوَقْتِ
اَلْمُحَدَّدِ.

وَافَقَ اَلْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَّلَ لَهُمُ اَلْإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرِحَ اَلطُّلَّابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ خُطَّتَهُمْ
لِتَأْجِيلِ اَلْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

فِي اَلْأُسْبُوعِ اَلتَّالِيِ حَضَرُوا لِلْإِمْتِحَانِ فِي اَلْوَقْتِ اَلْمُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ اَلْأُسْتَاذُ مِنْهُمْ
أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ اَلْإِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ اَلْإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

- ١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الإِطَارُ؟
- ٢ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
- ٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
- ٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
- ٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحْلُوا مُشْكِلَتَكُمْ؟
- ٦ كَمَ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الإِطَارِ؟
- ٧ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
- ٨ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَقَالَ:
مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ. **عَاهِدَ** الطُّلَابُ أُسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَقَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:
تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.



فَرَّرَ : قرار گذاشت (مضارع: يُفَرِّرُ) كُنْ : باش لَنْ : حرف نشانه آینده منفی مُحَدَّد : مشخص شده مَقَالَ : گفتار = قَوْل، کلام نَدَبَ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ) وَاجَهَ : روبه‌رو شد (مضارع: يُوَاجِهُ) وَزَعَ : پخش کرد (مضارع: يُوزِعُ)	سَاقَ : رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ) صُعُوبَةً : سختی ≠ سُهولة صَمِنَ : ضمانت کرد (مضارع: يَصْمِنُ) عَاهَدَ : پیمان بست (مضارع: يُعَاهِدُ) عِدَّةً : چند فَشِلَ : شکست خورد (مضارع: يَفْشِلُ)	أَجَلَ : به تأخیر انداخت (مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأْجِيلُ) = أَخَّرَ إِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ) تُضْطَرُّ : ناگزیر می‌شوی إِطَارَ : تایر، چارچوب إِطَارُ احتیاطی : چرخ یدکی تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ) خُطَّةً : نقشه، برنامه «جمع: خُطَطُ» زَاوِيَةً : گوشه «جمع: زَوَايا»
---	--	--

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجِّلَ الْإِمْتِحَانَ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةٍ أُسْبُوعَيْنِ؟

۲- مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

۳- مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ»؟

۵- كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ؟

۶- لِمَاذَا فَرِحَ الطُّلَابُ؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: که» و «گي، لِ، لَکي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می کنند؛ فعل هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می شوید	لَکي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می روند	گي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:

تَنَالُونَ: دست می یابید	لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت
--------------------------	----------------------------------

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه انتهای فعل های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می دهند. ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ﴾

و حرف نون را در انتهای فعل های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِيْنَ» حذف می کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی کنند.

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (فِي الصِّدْلِيَّةِ^١)

الصِّدْلِي	الْحَاجُّ
أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: مِحْرَارٌ ^٣ ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهْدِّئَةٌ، كِبْسُولٌ أَمْبِيَسِيلِين، قُطْنٌ ^٤ طَبِّي، مَرْهَمٌ ^٥ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ^٦ ... لَا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيَسِيلِين.	عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ ^٢ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.
لِأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ. لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ؟	لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟
رَجَاءً، رَاجِعِ ^٨ الطَّبِيبَ؛ الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.	أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ يَا حَضْرَةَ الصِّدْلِيِّ ^٧ .



٣- الْمِحْرَار: دماسنج

٦- الْجِلْد: پوست

٢- الْأَدْوِيَّة: داروها، مفرد: الدَّوَاء

٥- مَرْهَم: پماد

٨- رَاجِع: مراجعه كن

١- الصِّدْلِيَّة: داروخانه

٤- الْقُطْن: پنبه

٧- حَضْرَةُ الصِّدْلِيِّ: جناب داروخانه‌دار

التمرين الأول: أُمِّي فِعْلٍ مِّنْ أَفْعَالٍ مُّعْجَمِ الدَّرْسِ يُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- شَاهَدَ وَجْهًا لَوَجْهٍ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأْخِيرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ^٢ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلُ الْأَمْرِ، وَ فِعْلُ النَّهْيِ)

٢- لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ^٤ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٥ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمُ الْمُبَالَغَةِ)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاِخْتِيَالِهِ^٦. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (أَفْعَالِ)

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلُ النَّهْيِ)

٣- لَا تَسْتَشِيرُ: بِأ... مَشُورَتِ نَكُن

٢- الصِّيَامُ: رَوْزَه

١- لَا تَغْتَرَّوْا: فَرِيبِ نَخَوْرِيد

٦- اِخْتِيَالٌ: فَرِيبِكَارِي

٥- يُبْعِدُ: دُورِ مِي سَازِد

٤- يُقَرِّبُ: زَرْدِيكِ مِي سَازِد

الْتَّمِرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | |
|------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |

الْتَّمِرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(فِعْلُ الْأَمْرِ)

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الْأَعْرَافُ: ٨٧

(الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْفَتْح: ١٥

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْأَحْزَابُ: ٤٣

(الْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)

(الْفِعْلُ الْمَاضِي)

٤- ﴿... لِكَيْلَا^٢ تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ^٣ ...﴾ آلْ عِمْرَانُ: ١٥٣

(الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا^٤ الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آلْ عِمْرَانُ: ٩٢

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لِكَيْ+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التَّمرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:
- ٢- تَجْلِسُ مَعَ زَمِيلِكَ:
- ٣- اصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ:
- ٤- جَالِسٌ خَيْرَ النَّاسِ:
- ٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:
- ٦- لَنْ يَجْلِسَ هُنَا:
- ٧- أُريدُ أَنْ أَجْلِسَ:
- ٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:

التَّمرِينُ السَّادِسُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

أَدْوِيَّة	خُطَط	أَفَاضِل	أَحْيَاء	صُعُوبَات
.....				
أَصْدِقَاء	أَسَاتِذَة	عُيُوب	إِخْوَان	أَعْمَال
.....				
أَسْئَلَة	أَسَابِيع	إِجَابَات	طُلَّاب	أَخْلَاق
.....				

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قُبْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





الدَّرْسُ السَّادِسُ



تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُحَتَّ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیریِ هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.

آنه ماري شيمل



نَعُدُّ الدُّكْتُورَةَ «آنه ماري شيمل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ

عَشَرَ عَاماً حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفِّلْسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ^١ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛

تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شِيمِلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِقَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ

عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ

مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامْ أَبَادَ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةَ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّهَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ

الْأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالاً لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ:

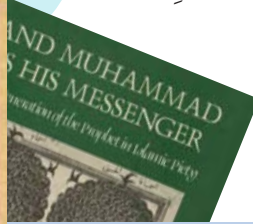
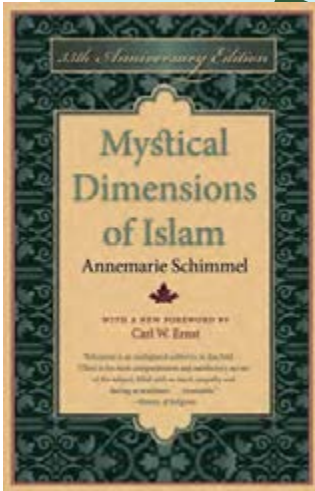
«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

أَلَفَتْ شِيمِلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الْبَلْخِيِّ.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ
 دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.
 قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُسَكِّلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ
 هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُيمِ بَيْنَ أُرُوبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ
 «الْإِتِّحَادَ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:
 «أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَّةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُزْءَ تَرْجَمَتِهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الْتَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا».
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



فَرَنْسِيَّةٌ : فرانسوی	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد	أُرْدِيَّةٌ : زبان اردو
قَارِبٌ : نزدیک شد	(مضارع: يَحْصُلُ)	أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)
«ما يُقَارِبُ: نزدیک به»	حَضَارَةٌ : تمدن	أَلْقَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)
مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی	دُكْتَوْرَاه : دکترا	كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد
مَدَّ : کشید، گسترش داد	شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)	إِنْجِلِيزِيَّةٌ : انگلیسی
مُسْتَشْرِقٌ : خاورشناس	شَهَادَةٌ : مدرک	أَنْقَرَةٌ : آنکارا
مُعْجَبَةٌ بِ: شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	عَدَّ : به شمار آورد، شمرد	أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يَوْصِي)
مُقَابَلَةٌ : مصاحبه	(مضارع: يَعُدُّ)	ثَقَافِي : فرهنگی
مُنْدٌ : از هنگام	فَخْرِيَّةٌ : افتخاری	«ثَقَافَةٌ: فرهنگ»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

.....

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلُ؟

.....

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلُ؟

.....

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَلَاءَهَا؟

.....

۵- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟

.....



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است	يَسْمَعْ: می‌شنود
لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید	تَذْهَبُونَ: می‌روید
لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید	تَكْتُبْنَ: می‌نویسید

- حرف «لَ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	نَرْجِعْ: برمی‌گردیم
لِيَعْلَمُوا: باید بدانند	يَعْلَمُونَ: می‌دانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

لَا تَيْأَسْ: ناامید نشو	تَيْأَسْ: ناامید می‌شوی
لَا تُرْسِلُوا: نفرستید	تُرْسِلُونَ: می‌فرستید

- همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

لَا يُسَافِرُونَ: نباید سفر کنند	يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند
----------------------------------	---------------------------

- حروف «لَمْ، لَ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلْ، تَفْعَلْ، أَفْعَلْ و تَفْعَلْ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلْ ... تَفْعَلْ ... أَفْعَلْ و ... تَفْعَلْ﴾ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ و تَفْعَلْنَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چند نکته:

■ **نکته (۱) :** فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ **نکته (۲) :** ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَعْلَمَ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون ها دانش آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می کند و باید این را بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ **نکته (۳) :** حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُما، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ **نکته (۴):** تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»
 «لِ» به معنای «برای» مانند «اِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلْسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
 «لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
- ۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
 «لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِحَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، ف» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:
 فَ + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ.

- ۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ۲
- ۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.
- ۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.
- ۴ لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

التمرين الأول: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من كلمات معجم الدرس.

- ١- كَانَتْ شَيْمِلُ مِنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ بِإِيرَانِ.
- ٢- اَلدُّكْتُورَاه هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهِودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.
- ٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.
- ٤- اَلشَّعْبُ اَلْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاَللُّغَةِ
- ٥- اَللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا

التمرين الثاني: عَيِّنِ اَلْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ اَلْكَلِمَاتِ اَلْأُخْرَى.

- ١- اَلْأُسْبُوع ☐ اَلشَّهْر ☐ اَلثَّقَافَة ☐ اَلسَّنَة ☐
- ٢- اَلأُرْدِيَّة ☐ اَلْإِنْجِلِيزِيَّة ☐ اَلْفَرَنْسِيَّة ☐ اَلْفَخْرِيَّة ☐
- ٣- اَلزَّمِيل ☐ اَلْقَمِيص ☐ اَلصَّدِيق ☐ اَلْحَبِيب ☐
- ٤- اَلقَرْيَة ☐ اَلْمَدِينَة ☐ اَلْبِلَاد ☐ اَلنِّيَام ☐
- ٥- اَلشَّهَادَة ☐ اَلطُّفُولَة ☐ اَلصَّغَر ☐ اَلْكَبَر ☐
- ٦- اَلقِط ☐ اَلرَّمَان ☐ اَلتُّفَاح ☐ اَلْعِنَب ☐

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ الثَّالِيَةَ، ثُمَّ اُنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- (الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند. ☐
- (ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند. ☐

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحُجُرَات: ۱۴
بادیه‌نشینان گفتند: ...

- (الف) ... «ایمان می‌آوریم.» بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم.» ☐
- (ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.» ☐

۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزُّمَر: ۵۲

- (الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟ ☐
- (ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟ ☐

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- (الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست. ☐
- (ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است. ☐

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ^۱ مِنْ جُوعٍ^۲ وَأَمَّنَّهُمْ^۳ مِنْ خَوْفٍ﴾

سُورَةُ قُرَيْشٍ

پس پروردگار این خانه را...

(الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد. ☐

(ب) ... باید پرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد. ☐



۳- آمَنَ: ایمان آورد

۲- الْجُوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

التمرين الرابع: صَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدُمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْأَدَبِ مِهْرَجَانًا ☐ حَضَارَةً ☐
- ٢- أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل. أَشَارَ ☐ أَثَارَ ☐
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةُ ☐ الثَّقَافَةُ ☐
- ٤- أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل. مُحَاضَرَةً ☐ مُسْجَلًا ☐
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الزَّمِيلُ ☐ الْمُضِيأُ ☐

التمرين الخامس: اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَاسَّ ☐ كَي تَيَاسَّ ☐ لَا تَيَاسَّ ☐
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ ☐ لَمْ أُسَافِرَ ☐ لِكَي أُسَافِرَ ☐
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سُوقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أَذْهَبَ ☐ لَمْ أَذْهَبَ ☐ إِنْ أَذْهَبَ ☐
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ ☐ مَا رَجَعَ ☐ لَمْ يَرْجِعَ ☐
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ يَجْتَهِدُ ☐



التَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. أَلِإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَلِإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَلِإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- | | |
|---|---|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون دُر | تا زانک توجان شود پُر (نظامی گنجای) |
| ب) علم کز اعمال نشانیش نیست | کالبدی دارد و جانیش نیست (امیر خسرو دهلوی) |
| ج) اندازہ نگہ دار که اندازہ نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی) |
| د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فراهانی) |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروت با دشمنان مدارا (حافظ) |
| و) دشمن دانا که غم جان بود | بہتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجای) |

التَّمرينُ السَّابعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَة / الْإِنْجِلِيزِيَّة / الْحَضَارَة / فَخْرِيَّة / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاضَرَة / شَهَادَاتِ)

١- مَا رَأَيْتُ جِرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.

٢- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنْ الصَّفِّ السَّابِعِ.

٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثَقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَابِ.

٤- كَانَتْ السُّومَرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.

٥- أَلْذِكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُصِ فِي الْجَامِعَاتِ.

٦- إِنَّ عَالِمَ مِنَ الدُّوَلِ الْعَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



■ اَكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارْسِيَّةَ أَوِ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربين (هنري كوربين)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان غوته

Johann

Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان غوته» هُوَ أَحَدُ أَشْهُرِ أَدْبَاءِ أَلْمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا أَدْبِيًّا وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.

«رينولد نيكلسون» هُوَ مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ. حَبِيرٌ فِي التَّصَوُّفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ

لِلْأَشْعَارِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ.

«هنري كوربين» فِيلَسُوفٌ وَ مُسْتَشْرِقٌ فَرَنْسِيٌّ اِهْتَمَّ بِدِرَاسَةِ الْإِسْلَامِ. أَسَّسَ فِي فَرَنْسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيرَانَ.

«إدوارد براون» مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدَّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارْسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.

«توشي هيكو ايزوتسو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَّمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللُّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثِينَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ.

«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشْرِقٌ رُوسِيٌّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارْسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ.^١



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية



المُفْرَدَاتُ الفَارِسيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ مُنْذُ العَصْرِ الجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى العَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فارسيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الإِيرَانِيِّينَ فِي العِرَاقِ وَ اليَمَنِ، وَ كَانَتْ تِلْكَ المُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ البَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ العَرَبِ كَالْمِسْكِ وَ الدِّيَاكِجِ. وَ اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي العَصْرِ العَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نَفُوذُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ حِينَ شَارَكَ الإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ العَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ أَمْثَالِ أَبِي مُسْلِمٍ الخُرَاسَانِيِّ وَ آلِ بَرْمَكٍ. وَ كَانَ لِابْنِ المُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلِيلَةِ وَ دِمْنَةِ.

وَ لِلْفَيْرُوزِ أبادِيِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَامُوسِ يَصُمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ.

وَ قَدْ يَبَيَّنُ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ الفَارِسيَّةِ أَبْعَادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَفَ الدُّكْتُورُ

التَّونُجِي كِتَابًا يَصُمُّ الكَلِمَاتِ الفَارِسيَّةِ المُعَرَّبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمُ المُعَرَّبَاتِ الفَارِسيَّةِ فِي اللُّغَةِ

العَرَبِيَّةِ».

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصَوْنُهَا وَ أَوَزَانُهَا، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقًّا لِأَلْسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسيَّةَ «گ، چ، پ، ژ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِیس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چادرشَب ← شَرَشَف و ...

وَ اسْتَقْبَلُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسيَّةِ.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ إِزْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

الْفَارِسيَّةُ



مُفْرَدَات : واژگان مِسْك : مُشْك نَطَقَ : بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ) نَقَلَ : منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ) وَقَفًا لـ : بر اساس يَضُمُّ : در برمی گیرد (ماضی: صَمَّ)	تَغَيَّرَ : دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ) دَخِيل : وارد شده دِیاج : ابریشم شَارَكَ : شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ) مُعَرَّبَ : عربی شده	ازْدَادَ : افزایش یافت (مضارع: يَزْدَادُ) اِسْتَدَّ : شدّت گرفت (مضارع: يَسْتَدُّ) اِسْتَقَّ : برگرفت (مضارع: يَسْتَقُّ) اِنْضِمَام : پیوستن (اِنْضَمَّ، يَنْضَمُّ) بَيْنَ : آشکار کرد (مضارع: يُبَيِّنُ)
--	---	--

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

۱- لِماذا ازْدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ؟

۲- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

۳- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۴- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

۵- مَتَى ازْدَادَ نُفُوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۶- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «كَنَز»؟



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»؛ مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»؛ مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴
بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةٍ. انگشتر نقره داشتم.

كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ **صارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»

است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ ^۲ الطُّلُبُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۲- نَظَّفَ: تمیز کرد

۱- الْمُخْضَرَّة: سرسبز

■ لَيْسَ یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

۱ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ مريم: ۵۵

۲ ﴿وَأَوْفُوا^۱ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء: ۳۴

۳ ﴿... يَقُولُونَ بِاللَّسْتَنِيهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح: ۱۱

۴ ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْأَنْعَام: ۵۳

۵ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ^۲ لِلْمَسَائِلِينَ﴾ يُونُس: ۷

۶ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ^۳ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

۳- أَلَفَ: همدل کرد، به هم پیوست

۲- آیات: نشانه‌ها

۱- أَوْفُوا: وفا کنید

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (مَعَ الطَّيِّبِ)

الْمَرِيضُ

الطَّيِّبُ

أَشْعُرُ بِأَلَمٍ^١ فِي صَدْرِي، وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.

مَا بِكَ؟

مَا عِنْدِي ضَعْفُ الدَّمِ وَ لَا مَرَضُ السُّكَّرِ.

أَ ضَعْفُ الدَّمِ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

بَعْدَ الْفَحْصِ يَقُولُ الطَّيِّبُ:

مَاذَا تَكْتُبُ لِي، يَا حَضْرَةَ الطَّيِّبِ؟

أَنْتَ مُصَابٌ^٢ بِزُكَّامٍ^٣، وَ عِنْدَكَ حُمَّى^٤ شَدِيدَةٌ. أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.

مِنْ أَيْنَ اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَّةَ؟

أَكْتُبُ لَكَ الشَّرَابَ وَ الْحُبُوبَ الْمُسَكِّنَةَ.

شُكْرًا جَزِيلًا.

اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَّةَ فِي الصِّيدْلِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائَةِ مَمَرِّ الْمُسْتَوْصِفِ.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

تَتَحَسَّنُ^٥ حَالُكَ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

مَعَ السَّلَامَةِ.



١- الْأَلَمُ: درد ٢- الْمُصَابُ: دچار ٣- الزُّكَّامُ: سرماخوردگی شدید ٤- الْحُمَّى: تب ٥- تَتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ x

١- أَلْمِسْكَ عِطْرٌ يَتَّخِذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.

٢- أَلَشَّرَشَفُ قِطْعَةُ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.

٣- أَلْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.

٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.

٥- أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التُّونَجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

١- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.

٢- الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.

٣- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.

٥- أَلَصَّبَرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.

٦- أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. و. بَرَدَ کشتی آنجا که خواهد خدای و گر جامه بر تن دَرَد ناخدای

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ..... ٧- أَكْتُبْ بِحَظٍّ وَاضِحٍ.....
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رِسَائِلَ..... ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.....
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا..... ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.....
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحْ..... ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللَّوْحِ.....
- ٥- يُكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ..... ١١- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.....
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.....

التمرين الرابع: ابْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ الْمُبَالِغَةِ، اسْمُ الْمَكَانِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ نوح: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الرِّحْمَن: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٦- يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ



الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

(الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم. ☐

(ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم. ☐

..... الِاسْمُ التَّكْرِي، وَ الْفِعْلُ النَّاقِصُ:

۲- ﴿...وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

(الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست. ☐

(ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود. ☐

..... الِاسْمُ التَّكْرِي، وَ الْفِعْلُ النَّاقِصُ:

۳- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَالَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النبأ: ۴۰

روزی که ...

(الف) ... آدمی آنچه را [با]دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم. ☐

(ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم. ☐

..... الِافْعَالُ الْمُضَارِعَ، وَ الْفِعْلُ النَّاقِصُ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

(الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند. ☐

(ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند. ☐

..... الَمْجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ:

۵- کُنْتُ سَاكِتاً وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئاً عَنِ الْمَوْضُوعِ.

الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم. ☐

ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم. ☐

الْمَفْعُولُ، وَالْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

الْمُعَرَّبَاتُ الْفَارْسِيَّةُ

إِبْرِيْسَم: إِبْرِيْشَم / إِبْرِيْق: آبریز / أَرْجَوَانِي: آرغوانی / أَسْتَاد: استاد / إِسْتَبْرَق: سِتَبَرگ / أُسْطُوَانَةُ: اُسْتُوَانه / بَابُونَج: بابونه / بَخْشِيْش ← بَخْشِش (بِالْفَارْسِيَّةِ: انعام) / بَابُوج (نَوْعٌ مِنَ الْحِذَاءِ) ← پاپوش / بَاذِنْجَان: باتنگان (بِالْفَارْسِيَّةِ: بادِمْجَان) / بَرِيْط: (بِرِ الْفَارْسِيَّةِ: سینه + بَت: بِالْفَارْسِيَّةِ: اُرْدَك) مِنْ آلَاتِ الْمَوْسِيقَى / بَرَزَخ ← بَرَزْ أَخُو (الْعَالَمُ الْأَعْلَى: جِهَان بالا) / بَرَنَامَج: بَرَنامه / بَرَوَاز ← پَرَوَاز: قَاب / بَرِيْد ← بُرِيْدَه دُم: پُست / بُسْتَان: بوستان / بَغْدَاد: بَغ + دَاد (خَدَادَاد) / بَوَسَة ← بوسه / بَهْلَوَان ← پَهْلَوَان (بِالْفَارْسِيَّةِ: بَنْدَباز) / بَس: بس / بَط: بَت (بِالْفَارْسِيَّةِ: اردک) / بِلُور: بُلور / بَنْفَسَج: بَنْفَشَه / تَارِيْخ: تَارِيْک / تَتْوِيْج: تاج‌گذاری ← تاج / تَخْت: تخت / تَرْجُمَان (تَرْجَمَة) ← تَرْزُبَان / تَنْوَر: تنور / تَوْت: توت / جَامُوس: گاومیش / جَزَر: گَزَر / جَص: گَج / جُلَاب: گُلَاب / جُلْنَار: گُلنار / جُنَاح: گُناه / جُنْدِي: گُنْدی / جَوْرَاب: گورپا (گوراپ) / جَوَز: گوز (بِالْفَارْسِيَّةِ: گِردو) / جَوْشَن ← جوشن: زره / جَوَهَر: گوهر /

حَرْبَاء: هوربان (هور: خور «خورشید»)/ خَانَة: خانه (بُيُوتُ فِي لُعْبَةِ الشُّطْرَنْجِ)/ حَنْدَق: گندگ/ دِجَلَة: تیگره (تند و تیز)/ دَرُوش: درویش/ دُسْتُور ← دَسْتُور: قانون/ دِیاج: دِیا/ دِین: دین/ رازیانج: رازیانه/ رِزْق ← روچیک، روزیک «روزی»/ رُوزَنَامَة ← روزنامه (بِالْفَارَسِيَّةِ: تَقْوِيم)/ رُوزَنَة ← روزنه/ رَهْنَامَج: راهنما (دَلِيلٌ لِلسَّفَرَاتِ الْبَحْرِيَّةِ)/ زَرْكَش ← زَرْكَش: نَسَجَ الْقُمَاشِ بِحُيُوطٍ مِنَ الذَّهَبِ: تارهای زر به پارچه کشید)/ زَمَان: زمان/ زَمَهْرِير: بسیار سرد/ زَنْبِيل: (زَن) اِمْرَأَة + بَال: يَد = عَلَى يَدِ الْمَرْأَةِ)/ زَنْجَار: زَنگَار/ سَادَج: ساده «سَدَاجَة: سادگی»/ سَاعَة: سایه/ سَجِيل: سنگِ گِل/ سَخَط: سَخَت (الْعَضْبُ الْكَثِيرُ)/ سِرَاج: چِراغ/ سُرَادِق: سَرَاپَرْدَه/ سَرَخَس: سَرَخُس/ سِرْدَاب: سَرْدَاب (زیر زمین: بِنَاءٌ تَحْتَ الْأَرْضِ)/ سَرْمَد: سَرَامَد (بی آغاز و پایان: مَا لَا أَوَّلَ لَهُ وَ لَا آخِرَ)/ سِرْوَال: شِلْوَار/ سَكَّر: شِکَر/ سَكَنْجَبِين: سِرکه انگبین/ سَلْجَم: سَلْجَم/ سَنْجَاب: سَنْجَاب/ سَوْسَن: سَوْسَن/ شَاشَة: صفحه تلویزیون ← شیشه/ شاهین (صَقْر): شاهین/ شَوْنَدَر: چُغَنْدَر/ شَهْدَانِج: شاهدانه/ شَيْء ← شَیْء: چیز/ صَفَق: دست زد ← چَپِک/ صَلِيب ← چَلِیپا/ صَنْج: چنگ، سنج/ طَاَزَج: تازه/ طُسْت: تَشْت/ عَبْقَرِيّ ← آبکاری/ عِفْرِيْت ← آفرید/ فِرْجَار، بَرْكَار ← بَرْكَار/ قُسْتُق: پِستَه/ فِلْفِل: پِلِل/ فُولاذ: پولاد/ فِیروز ← پیروز/ فِیروزَج: فیروزه/ فیل: پیل/ کَاس: کاسه/ کَافور ← کاپور/ کَهْرَبَاء: کاهُرْبا/ کَنْز: گنج/ لِجَام: لگام/ مِخْرَاب: مِهْرَاب/ مِسْک ← مَشْک: مَشْک/ مِيزَاب ← مِيزَاب: ناودان «گُمِيز+آب»/ نَارَنْج ← نار رنگ: نارنج/ نَسْرِين: نَسْرِين/ نِفْط: نِفْت/ نِمَارِق: بالش‌ها (جَمْع نَرَمَك)/ نَمُوذَج: نمونه/ وَرْد ← ورد/ وَزِير: ویچیر/ هَنْدَسَة: اندازه

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً اَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ اَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ، نَسْتَوِدُّعُكُمْ^١ اللَّهَ، إِلَى اللَّقَاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النَّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوِدُّعُ: مِى سِپَارِىم

٢- نَلْتَقِى: دِىدَار مِى كَنِىم

٣- نَتَمَنَّى: آرزو مِى كَنِىم



سازمان پژوهش‌های آموزشی کشور

ثبت نام کلاس‌های آنلاین آزمون عملی آموزشگاه کارنامه

